

# مقایسه ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با کارآفرینی در دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی شهرستان گرمسار

نویسندگان: علی‌اکبر امین‌بیدختی<sup>۱\*</sup> و طاهره قاسمی<sup>۲</sup>

۱. دانشیار گروه مدیریت آموزشی دانشگاه سمنان  
۲. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه سمنان

aliaminbeidokhti@yahoo.com

\* نویسنده مسئول: علی‌اکبر امین‌بیدختی

## چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با کارآفرینی در میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی شهرستان گرمسار است. جامعه آماری پژوهش، دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه دولتی و غیرانتفاعی شهر گرمسار بودند. نمونه مورد مطالعه، شامل «۳۵۰ نفر، ۱۷۵ آزمودنی برای هر گروه» است که از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در پژوهش، پرسش‌نامه کارآفرینی ساخته‌شده توسط تیموری در سال ۱۳۸۷ بوده است. جهت تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی شامل «جدول‌های فراوانی، نمودار، انحراف استاندارد و میانگین و آزمون‌های آماری، تحلیل واریانس چندمتغیری و تحلیل واریانس یک‌راهه» استفاده شد. نتایج حاصل از تحقیق نشان دادند که دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی از حیث ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی نسبت به دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی از وضعیتی بهتر دارند. بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی از لحاظ خلاقیت، کانون کنترل درونی، تحمل ابهام و تمایل به خطرپذیری، تفاوت معنی‌دار وجود دارد و دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی در مقایسه با دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی در وضعی بهتر قرار دارند، ولی در ویژگی انگیزه پیشرفت، تفاوت معنی‌دار مشاهده نشد و دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی با دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی در سطح یکسان قرار دارند.

**کلیدواژه‌ها:** کارآفرینی، ویژگی‌های شخصیتی، دبیرستان دولتی و غیرانتفاعی، شهرستان گرمسار.

## پژوهش‌های آموزش و یادگیری

(دانشور و نشر)

• دریافت مقاله: ۹۰/۰۳/۰۸

• پذیرش مقاله: ۹۰/۱۰/۱۰

*Scientific-Research  
Journal of Shahed  
University*

*Twentieth Year, No.3  
Autumn & Winter  
2013-14*

**Training & Learning  
Researches**

**دوفصلنامه علمی - پژوهشی  
دانشگاه شاهد**

**سال بیستم - دوره جدید  
شماره ۳**

**پائیز و زمستان ۱۳۹۲**

## مقدمه

را پدر علم کارآفرینی می‌نامند؛ وی بر این باور بود که رشد و توسعه اقتصادی در یک نظام، زمانی میسر خواهد بود که افرادی در میان آحاد جامعه با خطرپذیری، به نوآوری اقدام کنند و با این کار، روش‌ها و راه‌حل‌هایی جدید، جایگزین راه‌حل‌های ناکارآمد و غیرممکن پیشین شوند [۶]. در ایران در چند سال گذشته، موضوع کارآفرینی به چالش کشیده شده است به نحوی که تمام سازمان‌ها، دانشگاه‌ها و وزارتخانه‌ها، برنامه یا مرکزی را برای کارآفرینی جوانان و دانش‌آموختگان در نظر گرفته‌اند که همه این کارها به دلیل رکود اقتصادی، رشد ضعیف بنگاه‌های کوچک و متوسط، واردات گسترده محصولات زودبازده و از همه مهم‌تر معضل بیکاری جوانان است که دولت‌مردان و مسئولان را بر آن داشته تا در سیاست‌های علمی و اقتصادی خود، برای کارآفرینی و خوداشتغالی جوانان، اهمیتی ویژه قائل شوند. با توجه به اهمیت این موضوع در نظام آموزشی ایران و به‌خصوص شناسایی کارآفرینان بالقوه از مقاطع پایین‌تر دانشگاه، پژوهش حاضر سعی دارد تا با مقایسه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی در میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی، به شناختی بیشتر در این زمینه برسد.

کلمه کارآفرین، کلمه‌ای فرانسوی است که به معنی برعهده‌گرفتن (تعهدکردن) کاری است؛ یعنی فردی که خطر راه‌اندازی کسب‌وکاری جدید را می‌پذیرد؛ در واقع، «کارآفرین» ابتدا در زبان فرانسوی در اوایل قرن شانزدهم مطرح شد.

*استوارت میل*<sup>۴</sup>، این کلمه را در سال ۱۸۴۸ از زبان فرانسوی به ادبیات انگلیسی وارد کرد [۷].

کاربرد مفهوم کارآفرینی و بررسی ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان در میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی، موضوع به‌نسبت جدید و مهم است چراکه طبق مطالعات نتیجه‌گیری کرده‌اند که میان کارآفرینی و رشد اقتصادی، همبستگی مثبتی وجود دارد [۸]. با توجه به معضل بیکاری در میان جوانان و

در حالی که به قرن حاضر، وارد شده‌ایم که اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه با نیروی حیات‌بخش کارآفرینی از نو، زنده شده است. کارآفرینی<sup>۱</sup>، همان موضوعی است که پینکات<sup>۲</sup> از آن به‌عنوان «رنسانس هزاره سوم» یاد می‌کند. کارآفرینی، خلاقیت و کسب‌وکارهای مخاطره‌انگیز، سوخت موتور اقتصاد مدرن را فراهم می‌کنند [۱]. تفکر جدید اقتصادی، معتقد است، سرعت تغییرها و طول عمر محدود و فناوری پیشرفته، ساختار اقتصادی و صنعتی کشورها را دگرگون کرده است و امروزه توسعه صنعتی و رشد اقتصادی کشورها باید براساس نوآوری و خلاقیت شکل گیرد عامل تغییر و موضوعی که پینکات، از آن به‌عنوان رنسانس در هزاره سوم نام برده، بی‌تردید، با مورد توجه واقع شدن فرایند کارآفرینی در محافل آموزشی کشورهای جهان، زمینه‌ساز تحول و دگرگونی کشورها، به‌خصوص کشورهای در حال توسعه خواهد بود که به نیروی محرکه قدرتمندی برای به‌حرکت درآوردن چرخ‌های اقتصادی نیاز دارند. کارآفرینان لوکوموتیوهای توسعه جامعه‌اند که با به‌حرکت درآوردن واگن‌های اقتصاد، اشتغال، تولید فناوری و سرمایه توسعه پایدار ملی را به‌ارمغان می‌آورند [۲]. آنچه روشن است اینکه ما در عصر کارآفرینی زندگی می‌کنیم [۳].

کارآفرینان، انقلابی را هدایت می‌کنند که به تحول و نوسازی اقتصاد در پهنه جهانی منجر شده است [۴]. بسیاری از کشورها با گسترش و توسعه برنامه‌های آموزشی درباره کارآفرینی به موفقیتی چشمگیر در عرصه‌های اقتصادی دست‌یافته‌اند [۵] و بنابر آنچه بیان شد، یکی از عوامل مؤثر بر کارآفرینی، توجه خاص به تقویت نظام آموزشی است [۲]. کارآفرینی را در معنا و مفهوم فعلی، اولین بار جوزف شومپیتر<sup>۳</sup> به‌کاربرد که او

1 . Entrepreneurship  
2 . pinchot  
3 . J.Schumpeter

سود مالی، توفیق‌طلبی، رضایت شخصی و استقلال صورت‌پذیرد [۳].

در کشور ما تا آغاز اجرای برنامه سوم توسعه، چندان به کارآفرینی توجه نشده بود و در این توجه در انجام چند طرح و پایان‌نامه دوره دکتری، خلاصه می‌شد؛ لیکن با رایزنی برخی از پژوهشگران حوزه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور (کاراد) در برنامه سوم توسعه گنجانده شده و در اواخر سال ۱۳۷۹ مسئولیت پیگیری و اجرای امور ستادی آن از طرف وزارت علوم به سازمان سنجش واگذار شد. از ابتدای سال ۱۳۸۵ دبیرخانه طرح کاراد از سازمان سنجش سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران منتقل و در این سازمان مستقر شد؛ هم‌اکنون این طرح در دانشگاه‌های کشور در حال اجراست و هر ساله به تعداد دانشگاه‌های یادشده نیز اضافه می‌شود و اهداف این طرح عبارت است از: ۱. ترویج روحیه و فرهنگ کارآفرینی و ارتقای شناخت جامعه دانشگاهی نسبت به کارآفرینی، کارآفرینان و نقش آنان در رونق اقتصادی، ایجاد اشتغال و رفاه؛ ۲. ترغیب و جذب جامعه دانشگاهی به دوره‌های آموزش کارآفرینی و ۳. گسترش تحقیقات تحصیلی در خصوص کارآفرینان، طرح‌های کارآفرینی محیط و فضای کارآفرینان [۱۳].

براساس تحقیق‌هایی گسترده که در ایالات متحده صورت گرفته، بسیاری از دانش‌آموزان از مقاطع پایین‌تر با کارآفرین آشنا می‌شوند و این تحقیق نشان داد که با ایجاد و درک مثبت درباره پرورش کارآفرینی می‌توان از طریق تمهیدهای آموزشی به تربیت کارآفرینان اقدام کرد. دوره‌های آموزشی کارآفرینی نه تنها جای خود را در بستر دروس دانشگاهی و در رشته‌های مختلف باز کرده‌اند، بلکه در دوره‌های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ یکی از اقدام‌های اساسی که در این راستا باید انجام گیرد، شناسایی افراد کارآفرین و نیز شناسایی کسانی است که قابلیت‌های کارآفرینانه دارند و بی‌تردید، نظام آموزشی

دانش‌آموختگان ایران، یکی از راهکارها، پرورش افراد کارآفرین است، زیرا در بسیاری از کشورهای پیشرفته مانند ایالات متحده و ... آموزش کارآفرینی را از سطوح پایین تحصیلی آغاز کرده‌اند و به نتایج اثربخش رسیده‌اند. نظام آموزشی ما به‌عنوان متولی اصلی رشد و یادگیری باید افراد بالقوه کارآفرین را شناسایی و زمینه‌های لازم را برای بروز خلاقیت آنان فراهم کند. تحقیق‌ها نشان داده‌اند که با رشد برخی ویژگی‌ها در افراد، ویژگی‌های کارآفرینی در آنها تقویت می‌شود [۸ و ۹]؛ از این ویژگی‌ها می‌توان خلاقیت، تحمل ابهام، خطرپذیری، کانون کنترل درونی و انگیزه پیشرفت را نام برد [۱۰]؛ شولز، معتقد است کارآفرینی به‌طور کامل، ذاتی و اکتسابی نیست و قابل‌آموزش است. بهترین نمونه در خصوص نحوه آموزش کارآفرینی در مدرسه، راه‌اندازی شرکت‌های دانش‌آموزی است که امروزه در بیشتر کشورها مرسوم شده‌است که بر کار گروهی و آزادی دانش‌آموز تأکید می‌کنند [۱۱]؛ به همین منظور، مدارس به‌عنوان متولیان اصلی رشد و یادگیری، بایستی با استفاده از امکانات مناسب، معلمان مجرب، مدیریت مطلوب و سایر مؤلفه‌های کلیدی در به‌کارگیری بهینه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی، در میان دانش‌آموزان، پیشقدم باشند و به ترویج برنامه‌های کارآفرینی و شناسایی کارآفرینان بالقوه از میان دانش‌آموزان بپردازند. در دنیای مردم عادی، کارآفرینی با آغاز کسب‌وکار جدید و ایجاد اشتغال مرتبط است اما این واژه برای کارآفرینی که دارای پیشینه گسترده و درخشان است، ضعیف و غیرتخصصی است. فرانک و همکارانش (۲۰۰۵) در پژوهشی که در زمینه کارآفرینی در دبیرستان‌ها انجام دادند، کارآفرینی را «مهارت زندگی» قلمداد کردند که باید در تمامی سطوح آموزشی از مدارس ابتدایی تا دانشگاه [مورد توجه] قرار گیرد [۱۲].

شاید بهترین تعریفی که از کارآفرینی می‌توان کرد عبارت است از: فرایند نوآوری و بهره‌گیری از فرصت‌ها با تلاش و پشتکار بسیار و همراه با پذیرش مخاطرات خطرهای مالی و روانی و اجتماعی که با انگیزه کسب

ویژگی‌های روان‌شناختی مشترک کارآفرینان معطوف شد تا بتوانند افرادی را بشناسند که نشدنی‌ها را شدنی می‌کنند. با مرور ادبیات و تحقیق‌های مرتبط از میان ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی با توجه به تحقیق‌های گورول و اتسان در سال ۲۰۰۶، پنج ویژگی اصلی و کلی انتخاب شدند که عبارت‌اند از:

خلاقیت:<sup>۴</sup> خلاقیت به فرایند ذهنی مربوط می‌شود که شخصی را به حل مسئله، طرح‌ها، تصورها، نظریه‌ها و محصولاتی که منحصر به فرد و جدیدند، رهنمون می‌سازد [15]. تمایل به خطرپذیری:<sup>۵</sup> تمایل به خطرپذیری، عبارت است از: پذیرش مخاطره‌های معتدل که می‌توانند از طریق تلاش‌های شخصی مهار شوند [۱۳].

تحمل ابهام:<sup>۶</sup> تحمل ابهام عبارت است از: پذیرفتن عدم قطعیت به‌عنوان بخشی از زندگی، توانایی ادامه حیات با دانشی ناقص درباره محیط و تمایل به آغاز فعالیتی مستقل بی‌آنکه شخص بداند آیا موفق خواهد شد یا خیر [۱۳].

حتی بعضی از کارآفرینان تمایل دارند موقعیت‌های عدم قطعیت را با دانش جزئی تجربه کنند. کارآفرینان از مدیران بنگاه‌های بزرگ، بیشتر تحمل ابهام دارند؛ در مقابل، مدیران به محیط ساختاریافته با اطلاعات کافی از محیط تمایل دارند، زیرا آموخته‌اند که موقعیت محیط مطمئن، حاوی تمامی پاسخ‌های لازم نیست. تحمل ابهام، امری مفید و ضروری برای کارآفرینان است [۸].

انگیزه پیشرفت:<sup>۷</sup> انگیزه پیشرفت نشان‌دهنده میل فرد نسبت به انجام دادن کاری، سروسامان دادن به محیط مادی و اجتماعی خود، فائق آمدن بر موانع، زیاد کردن رقابت از طریق کوشش برای انجام دادن کارها و سبقت گرفتن بر دیگران است [۱۶].

درکل، انگیزش، نیروی محرکه فعالیت‌های انسانی و عامل جهت‌دهنده رفتار فرد است. انگیزش را به موتور و فرمان اتومبیل تشبیه کرده‌اند [۱۷]؛ بنابراین تعریف،

به‌ویژه مدارس پر استعداد، سهل‌الوصول‌ترین و مناسب‌ترین مکان‌ها برای رجوع به شناسایی این افراد به‌شمار می‌آیند [۸].

از آنجاکه مطالعه کارآفرینی، حیطه‌ای گسترده از رشته‌های مدیریت، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و انسان‌شناسی را دربرمی‌گیرد، بنابراین دارای ماهیت میان‌رشته‌ای است. *دزیلوا*<sup>۱</sup>، طبق نگرش روان‌شناختی، ویژگی‌های شخصیتی خاصی افراد را مستعد کارآفرینی می‌کند؛ اما آیا فقط ویژگی‌های فردی است که باعث موفقیت فرد می‌شود؟ تأکید فزاینده بر خصایص فردی کارآفرینی به تکوین نگرشی منجر شد که بعدها به رویکرد ویژگی‌های شخصیتی شهرت یافت [۲].

*احمدپور داریانی* در سال ۱۳۸۶ بیان می‌کند مفهوم کارآفرینی از قرن پانزدهم تاکنون در نظریه‌های اقتصادی به‌عنوان عامل ایجاد ثروت یا ارزش اقتصادی تبلور یافته است، پیروان مکتب سوداگری بازرگانانی را که در کار تجارت طلا و نقره دست‌داشته‌اند، کارآفرین می‌دانند. فیزیوکرات‌ها (طبیعیون) زمین و فعالان کشاورزی را کارآفرین می‌دانسته‌اند؛ پس از آنان کلاسیک‌ها چشمه حقیقی ثروت را کار سالانه مردم قلمداد می‌کرده‌اند [۱۴].

پس از *آدام اسمیت*<sup>۲</sup> و *جان استوارت میل*<sup>۳</sup> و کلاسیک‌های دیگر، فردی به نام جوزف شومپیتر در سال ۱۹۴۸ به‌عنوان یکی از اعضای مکتب اقتصادی آلمان (او را پدر علم کارآفرینی نامیدند)، کارآفرینی را نیروی محرکه اقتصادی می‌داند. از آنجاکه مطالعه کارآفرینی، حیطه گسترده‌ای از رشته‌های مدیریت، اقتصاد، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی را دربرمی‌گیرد و دارای ماهیت بین‌رشته‌ای است، روان‌شناسان به کمک علم اقتصاد آمدند و کارآفرینی را از نظریه‌های اقتصادی بیرون‌کشیده، به مفاهیم توسعه و رشد اقتصادی پیوند دادند و تلاش آنان در دهه ۵۰ تا ۷۰، به تعیین

4. Creativity

5 . Risk-taking Propensity

6 . Tolerance of Ambiguity

7 . Need for Achievement

1 . Dezilwa

2 . A.Smith

3 . J.Stewart Mill

انگیزش، عامل فعال‌ساز رفتار انسان است. انگیزش به عواملی اشاره دارد که به رفتار نیرومی‌بخشد و به این دلیل ادعای می‌شود که از لحاظ پرورش، «انگیزش» هم هدف است و هم وسیله [۱۸].

دیوید مک کله لند در کتاب خود با نام *جامعه موفق* بیان می‌کند که انگیزه پیشرفت ویژگی اساسی توسعه اقتصادی ملت‌هاست و مهم‌تر از آن، این واقعیت است که انگیزه پیشرفت به‌عنوان یکی از ابعاد اساسی شخصیت سبب می‌شود که افراد حاضر شوند تمام دارایی خود را برای آغاز یک فعالیت جدید به‌خطر بیندازند [۱۹].

کانون کنترل درونی<sup>۱</sup> به وضعیتی اشاره دارد که در آن افراد تمایل دارند علت‌های اصلی رفتارشان را به خویشتن نسبت دهند و قادرند وقایع و رفتارهای تأثیرگذار بر زندگی‌شان را کنترل کنند [۲۰].

رویکرد جمعیت‌شناختی: این ویژگی‌ها در دو دسته جای می‌گیرند: الف) ویژگی‌های تجربی و ب) ویژگی‌های مرتبط با سابقه فرد؛ ویژگی‌های تجربی مانند الگوی نقش، نارضایتی از کار و تجربه کاری.

شرایط کودکی: مطالعاتی که در سطحی وسیع در سال ۱۹۸۶ توسط دیوید سیلور<sup>۲</sup> صورت گرفت، نشان دادند که ۷۴ درصد از کارآفرینان در دوران کودکی خود وقایعی حساس مانند فقر، عدم امنیت، مرگ والدین و جدایی آنان را تجربه کرده‌اند [۲۰].

سن: افراد جوان بین ۲۵ و ۳۴ سال، گروهی هستند که از نظر فعالیت کارآفرینی، بیشترین افراد را شامل می‌شوند. پس از سن ۳۵ سال همه گروه‌های سنی کاهشی منظم را در فعالیت‌های کارآفرینی نشان می‌دهند [۴].

جنسیت: مطابق با تحقیق‌های انجام گرفته در فرآیندی (دیدهبان) جهانی کارآفرینی، مردان به‌طور تقریبی ۵۰ درصد بیش از زنان فعالیت کارآفرینانه انجام می‌دهند؛ این تفاوت در تمام گروه‌های سنی و در بیشتر ممالک ثابت دارد. در هیچ کشوری، زنان از لحاظ فعالیت

کارآفرینانه، بیش از مردان نیستند [۴].  
تحصیلات: باور عمومی بر این است که سطوح بالای موفقیت تحصیلی از الزام‌های رفتار کارآفرینانه است [۴].

جایگاه اجتماعی: قرارنگرفتن فرد در جایگاه اجتماعی مورد انتظار، سبب می‌شود تا فرد نسبت به فعالیت‌های کارآفرینانه برانگیخته شود [۲۱].

از جمله مطالعات قابل توجه در زمینه کارآفرینی در ایران، طراحی و تبیین مدل کارآفرینی سازمانی برای سازمان‌های غیردولتی است که مقیمی در سال ۱۳۸۳ در آن سه دسته از عوامل تأثیرگذار بر کارآفرینی سازمانی (عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای) را مورد مطالعه قرار داده است [۱]. حسن مرادی در سال ۱۳۸۳ به‌منظور ارائه الگوی مناسب ایجاد دانشگاه کارآفرین، پژوهشی انجام داده که در آن الگوی دانشگاه کارآفرین را با تأکید بر سه مؤلفه اصلی برون‌سیستمی شامل «زیرساخت‌ها، مبانی نظری و اهداف» و شش مؤلفه درون‌سیستمی شامل «زمینه، درونداد، فرایند، برون‌داد، ارزیابی، توسعه و پیامد» در نظر گرفته است [۲۲]. احمدپور داریانی در سال ۱۳۸۷، الگویی برای پرورش مدیران کارآفرین ارائه کرده است که دارای یک‌سری ورودی (عوامل فردی؛ سازمانی و محیطی)، فرایند پردازش (شکل‌گیری تفکر، تدوین برنامه‌ها، فعالیت‌ها و اجرای آنان) و خروجی (رشد، تغییر و نوآوری) است [۲۳]. خدمتی در سال ۱۳۷۹، تحقیقی را با عنوان «زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دانش‌آموزان دبیرستان‌های کار و دانش شهرستان کرج» انجام داده است که نتایج این تحقیق نشان دادند، در دبیرستان‌های کار و دانش شهرستان کرج، ویژگی‌هایی مانند نیاز به توفیق، استقلال رأی، خلاقیت و نوآوری، خطرپذیری و مرکز کنترل در دانش‌آموزان در حد بالاتر از زیاد است [۲۴]. عزیزی در سال ۱۳۸۶ در تحقیقی با عنوان «بررسی و مقایسه زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان شهید بهشتی» به بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی در میان دانشجویان شهید بهشتی در مقطع کارشناسی و

1. Internal Locus of Control  
2. D.Silver

کارشناسی ارشد و نیز استادان این دانشگاه پرداخت [۱۵]: نتایج این تحقیق نشان داده‌اند که میان ویژگی‌های روان‌شناختی از جمله استقلال‌طلبی، خلاقیت، خطرپذیری و انگیزه پیشرفت با میزان کارآفرینی، رابطه‌ای معنادار وجود دارد؛ همچنین نتایج این تحقیق نشان دادند که زمینه بروز و پرورش روحیه کارآفرینی در دانشجویان فراهم نشده است.

مرتضی جعفرزاده در سال ۱۳۸۴، پژوهشی با عنوان «طراحی و تبیین الگویی برای پیش‌بینی کارآفرینی دانش‌آموختگان: مورد دانشگاه تهران» برای اخذ درجه دکتری در رشته مدیریت بازرگانی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران انجام داد [۵]. یافته‌های مرتبط با این پژوهش (به روش لیزرل) نشان می‌دادند که ویژگی‌های روان‌شناختی، حداکثر تأثیر را در میزان کارآفرینی دانشجویان دارند و در زمینه تحقیق‌های خارجی، لوهو در سال ۲۰۰۳ طی پژوهشی که روی نمونه ۴۵۰ نفری از دانشجویان انجام داد، در نظر داشت که ویژگی‌های روان‌شناختی آنها را سنجیده، تأثیرشان را بر میزان کارآفرینی نمونه مورد نظر بررسی کند؛ نتایج این تحقیق نشان دادند که میان این ویژگی‌ها (استقلال‌طلبی، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، اعتمادبه‌نفس، جسارت و خلاقیت) و توانایی کارآفرین شدن، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد [۲۵].

گورول و اتسان به سال ۲۰۰۶ در پژوهشی با عنوان «ویژگی‌های کارآفرینی در میان دانشجویان دانشگاه» نتیجه گرفتند، دانشجویانی که دارای نگرش کارآفرینانه هستند در شش ویژگی (انگیزه پیشرفت، کنون کنترل درونی، نوآوری، اعتمادبه‌نفس، تحمل ابهام و تمایل به خطرپذیری)، بهتر از دانشجویانی هستند که نگرش کارآفرینانه نداشتند. کوه در سال ۱۹۹۶ تحقیقی را با عنوان «آزمون فرضیه‌های ویژگی‌های کارآفرینانه» با هدف سنجش شش ویژگی شخصیتی کارآفرینی (انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، نوآوری، اعتمادبه‌نفس، تحمل ابهام و تمایل به خطرپذیری) در میان دانشجویان رشته MBA در دانشگاه علم و تکنولوژی هنگ کنگ انجام داد؛

نتایج پژوهش نشان دادند که تفاوتی معنی‌دار در خصوص چهار فرضیه (تمایل به خطرپذیری، نوآوری، تحمل ابهام و اعتمادبه‌نفس) در میان دو گروه آزمودنی وجود داشت و فرض ۰ (صفر) با ۹۵ درصد اطمینان در سطح معنی‌داری (۰/۰۵) رد شده بود و تفاوتی معنی‌دار در خصوص دو فرضیه (انگیزه پیشرفت و کنون کنترل درونی) در میان دو گروه آزمودنی وجود نداشت و فرض ۰ (صفر) با ۹۵ درصد اطمینان در سطح معنی‌داری (۰/۰۵) تأیید شده بود [۲۶].

فرانک و همکارانش در سال ۲۰۰۵ در تحقیقی با عنوان «آموزش کارآفرینی در دبیرستان‌های اتریش» به این نتیجه رسیدند که عوامل بسیاری در رشد ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی دخیل‌اند که مدرسه در تدارک این عوامل، نقشی انکارناپذیر دارد؛ هدف این پژوهش، بررسی عواملی بود که بر نگرش‌ها و روحیات کارآفرینی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر وین در اتریش، مؤثر بودند؛ این عوامل شامل امکانات و فناوری مدرسه، برنامه‌های درسی و غیردرسی، معلمان و مدیران، محیط و فرایند بود [۲۷ و ۲۸].

در تحقیق‌های داخلی، نوعی علاقه در کارآفرینی مشاهده می‌شود که بیشتر به طرف صنعت تمایل دارد تا آموزش کارآفرینی و اهمیت کارآفرینی در نظام آموزشی؛ اما تحقیق‌های خارجی زیادی در باب کارآفرینی صورت گرفته‌اند که باید از یافته‌های پژوهشی آنها برای به حرکت درآوردن چرخ‌های کارآفرینی استفاده کرد [۶].

با توجه به موارد بالا، در این پژوهش، مسئله اصلی این است که «آیا میان دانش‌آموزانی که در مدارس دولتی به تحصیل اشتغال دارند، از نظر قابلیت‌های کارآفرینی با دانش‌آموزانی که در مدارس غیرانتفاعی تحصیل می‌کنند، تفاوتی معنی‌دار وجود دارد؟».

### فرضیه‌های پژوهش

۱. میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی از لحاظ ویژگی تحمل ابهام، تفاوت وجود دارد.

تهیه شده است و پنج ویژگی کارآفرینی را در قالب چهل پرسش مورد سنجش قرار می‌دهد.

روشی که برای بررسی روایی این پرسش‌نامه به کار گرفته، روایی محتوایی است. برای بررسی روایی محتوایی، پرسش‌نامه به استادان دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران و متخصصان رشته ارائه شد و روایی آن را برای پژوهش حاضر، استادان تأیید کردند.

در این تحقیق، اندازه‌گیری پایایی پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ انجام شد که ضریب آلفای پرسش‌نامه ۰/۷۵ است ضریب آلفای کل ۰/۷۵، تحمل ابهام ۰/۶۸، خلاقیت ۰/۷۹، تمایل به خطرپذیری ۰/۷۶، کانون کنترل درونی ۰/۷۲ و انگیزه پیشرفت ۰/۶۷.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از آمار توصیفی، شامل جدول‌های فراوانی، نمودار، انحراف استاندارد و میانگین و واریانس استفاده شده و برای آزمون فرضیات با توجه به آنکه نمره‌دهی با استفاده از طیف لیکرت انجام شده است، متغیر در سطح فاصله‌ای مورد سنجش قرار گرفته و از آزمون‌های تحلیل واریانس چندمتغیری<sup>۱</sup> و تحلیل واریانس یک‌راهه<sup>۲</sup> استفاده شده است و در ضمن در تمامی مراحل تجزیه و تحلیل از نرم‌افزار spss کمک گرفته شده است.

## یافته‌ها

### آزمون فرضیات

• فرضیه اصلی: میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی از حیث ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، سطح معنی‌داری هر چهار آماره چندمتغیری مرتبط، یعنی اثر پیلایی، لامبدای ویلکز، اثر هتلینگ و بزرگ‌ترین ریشه روی، کوچک‌تر از ۰/۰۰۱ است ( $p < ۰/۰۰۱$ )؛ بدین ترتیب فرض صفر آماری رد و مشخص می‌شود که میان نمرات دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی در ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی، تفاوت معناداری وجود دارد.

۲. میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی از لحاظ ویژگی خلاقیت، تفاوت وجود دارد.

۳. میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی از لحاظ ویژگی تمایل به خطرپذیری، تفاوت وجود دارد.

۴. میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی از لحاظ ویژگی کانون کنترل درونی تفاوت وجود دارد.

۵. میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی از لحاظ ویژگی انگیزه پیشرفت، تفاوت وجود دارد.

## روش پژوهش

این تحقیق با توجه به هدف تحقیق از جمله تحقیق‌های کاربردی است و از حیث روش گردآوری داده‌ها در زمره تحقیق‌های توصیفی از نوع پیمایشی قرار می‌گیرد که به شیوه مقطعی انجام گرفته است.

جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل تمامی دانش‌آموزان سال‌های اول، دوم، سوم و پیش‌دانشگاهی دبیرستان‌های پسرانه و دخترانه دولتی و غیرانتفاعی شهرستان گرمسار در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸ است که تعداد کل دانش‌آموزان، ۳۴۸۹ نفر اعلام شده است.

با توجه به اینکه تعداد، بسیار زیاد بود از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی استفاده شد. حجم نمونه آماری با استفاده از جدول کوهن و همکاران ۳۵۰ نفر شامل ۱۷۵ دانش‌آموز مدارس دولتی و ۱۷۵ دانش‌آموز مدارس غیرانتفاعی در نظر گرفته شد. با توجه به حجم بالای جامعه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسش‌نامه کارآفرینی ساخته شده توسط تیموری در سال ۱۳۸۷ انجام شد [۹]؛ در ساخت این پرسش‌نامه از پرسش‌نامه‌هایی از قبیل پرسش‌نامه سازمان‌های کارآفرینی صمدآقایی در سال ۱۳۸۲، کارآفرینی هیسریچ و دیگران در سال ۲۰۰۸ و ابزار سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی کردنائیچ و همکاران در سال ۱۳۸۶ کمک گرفته شده است؛ این پرسش‌نامه به صورت طیف لیکرت چهار گزینه‌ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف

1. MANOVA  
2. ANOVA

جدول ۱. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری برای ویژگی‌های کارآفرینی در مدارس دولتی و غیرانتفاعی

اندازه اثر	P	درجه آزادی خطا	درجه آزادی اثر	F	مقادیر	آزمون‌ها	اثر
.۳۲۷	۰/۰۰۰	۳۰۸/۰۰۰	۵/۰۰۰	۲۹/۹۹۱	.۳۲۷	اثر پیلایی	گروه
۰/۳۲۷	۰/۰۰۰	۳۰۸/۰۰۰	۵/۰۰۰	۲۹/۹۹۱	.۶۷۳	لامبدای ویلکز	
۰/۳۲۷	۰/۰۰۰	۳۰۸/۰۰۰	۵/۰۰۰	۲۹/۹۹۱	۰/۴۸۷	اثر هتلینگ	
۰/۳۲۷	۰/۰۰۰	۳۰۸/۰۰۰	۵/۰۰۰	۲۹/۹۹۱	۰/۴۸۷	بزرگ‌ترین ریشه روی	

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای وابسته به تفکیک نوع مدرسه

متغیر وابسته	نوع مدرسه	میانگین	انحراف استاندارد	فاصله اطمینان ۹۵ درصد
تحمل ابهام	دولتی	۲۳/۰۹۹	۰/۲۰۵	۲۳/۵۰۲
	غیرانتفاعی	۲۴/۲۴۱	۰/۱۹۸	۲۴/۶۳۱
خلاقیت	دولتی	۲۳/۲۱۷	۰/۲۲۸	۲۳/۶۶۶
	غیرانتفاعی	۲۴/۸۰۲	۰/۲۲۱	۲۵/۲۳۷
تمایل به خطرپذیری	دولتی	۲۳/۲۷۰	۰/۲۲۱	۲۳/۷۰۵
	غیرانتفاعی	۲۲/۰۱۹	۰/۲۱۴	۲۲/۴۴۰
کانون کنترل	دولتی	۲۳/۴۹۳	۰/۱۸۳	۲۳/۸۵۳
	غیرانتفاعی	۲۵/۴۱۴	۰/۱۷۷	۲۵/۷۶۲
انگیزه پیشرفت	دولتی	۲۱/۲۷۰	۰/۲۰۲	۲۱/۶۶۸
	غیرانتفاعی	۲۱/۵۵۶	۰/۱۹۶	۲۱/۹۴۱

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه برای ویژگی‌های کارآفرینی در میان مدارس دولتی و غیرانتفاعی

متغیر	منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
تحمل ابهام	میان گروهی	۱۰۲/۲۸۳	۱	۱۰۲/۲۸۳	۱۶/۰۴۳	۰/۰۴۹	
	درون گروهی	۱۹۸۹/۱۳۱	۳۱۲	۶/۳۷۵			
خلاقیت	میان گروهی	۱۹۷/۱۰۰	۱	۱۹۷/۱۰۰	۲۴/۹۰۲	۰/۰۷۴	
	درون گروهی	۲۴۶۹/۵۱۵	۳۱۲	۷/۹۱۵			
مخاطره‌پذیری	میان گروهی	۱۲۲/۷۷۱	۱	۱۲۲/۷۷۱	۱۶/۵۱۸	۰/۰۵۰	
	درون گروهی	۲۳۱۸/۸۸۵	۳۱۲	۷/۴۳۲			
کانون کنترل	میان گروهی	۲۸۹/۱۳۷	۱	۲۸۹/۱۳۷	۵۶/۸۳۳	۰/۱۵۴	
	درون گروهی	۱۵۸۷/۲۸۴	۳۱۲	۵/۰۸۷			
انگیزه پیشرفت	میان گروهی	۶/۴۰۶	۱	۶/۴۰۶	۱/۰۲۹	۰/۳۱۱	
	درون گروهی	۱۹۴۱/۹۴۱	۳۱۲	۶/۲۲۴			

کانون کنترل و انگیزه پیشرفت بالاتر از مدارس دولتی است. در متغیر تمایل به خطرپذیری، میانگین مدارس

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، میانگین مدارس غیرانتفاعی در متغیرهای تحمل ابهام، خلاقیت،



دولتی بالاتر از مدارس غیرانتفاعی است؛ در ادامه، نتایج آزمون تکمیلی تحلیل واریانس یک‌راهه<sup>۱</sup> برای هر یک از فرضیات فرعی یک تا پنج ارائه می‌شود.

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقدار  $F$  مشاهده شده برای متغیر تحمل ابهام،  $۱۶/۰۴۳$  است که با توجه به سطح معنی داری کوچک‌تر از  $۰/۰۰۱$ ، تفاوت معنی داری میان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی در ویژگی تحمل ابهام وجود دارد؛ بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد فرض ۰ (صفر) رد می‌شود. با توجه به بالاتر بودن میانگین دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی می‌توان گفت که دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی از لحاظ ویژگی تحمل ابهام در سطحی بالاتر قرار دارند، لذا فرضیه فرعی اول تحقیق پذیرفته می‌شود.

مقدار  $F$  مشاهده شده برای متغیر خلاقیت  $۲۴/۹۲$  است. با توجه به سطح معنی داری کوچک‌تر از  $۰/۰۰۱$ ، تفاوتی معنی دار میان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی در ویژگی خلاقیت وجود دارد؛ بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد فرض ۰ (صفر) رد می‌شود و با توجه به بالاتر بودن میانگین دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی می‌توان گفت که دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی از لحاظ ویژگی خلاقیت در سطحی بالاتر قرار دارند، لذا فرضیه فرعی دوم تحقیق پذیرفته می‌شود.

مقدار  $F$  مشاهده شده برای متغیر تمایل به خطرپذیری  $۱۶/۵۱۸$  است که با توجه به سطح معنی داری کوچک‌تر از  $۰/۰۰۱$ ، تفاوتی معنی دار میان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی در ویژگی تمایل به خطرپذیری وجود دارد؛ بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد فرض ۰ (صفر) رد می‌شود. با توجه به بالاتر بودن میانگین دانش‌آموزان مدارس دولتی می‌توان گفت که دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی از لحاظ ویژگی تمایل به خطرپذیری در سطحی بالاتر قرار دارند، لذا فرضیه فرعی سوم تحقیق پذیرفته می‌شود.

مقدار  $F$  مشاهده شده برای متغیر کانون کنترل،  $۵۶/۸۳۳$  است. با توجه به سطح معنی داری کوچک‌تر از  $۰/۰۰۱$ ، تفاوتی معنی دار میان دبیرستان‌های دولتی و

غیرانتفاعی در ویژگی کانون کنترل درونی وجود دارد و با اطمینان ۹۹ درصد فرض ۰ (صفر) رد می‌شود. با توجه به بالاتر بودن میانگین دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی می‌توان گفت که دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی از لحاظ ویژگی کانون کنترل درونی در سطحی بالاتر قرار دارند، لذا فرضیه فرعی چهارم تحقیق پذیرفته می‌شود.

مقدار  $F$  مشاهده شده برای متغیر انگیزه پیشرفت،  $۱/۰۲۹$  است. با توجه به سطح معنی داری  $۰/۳۱۱$ ، تفاوتی معنی دار میان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی در ویژگی انگیزه پیشرفت وجود ندارد؛ بنابراین فرض ۰ (صفر) تأیید و نتیجه گرفته می‌شود که مدارس دولتی و غیرانتفاعی در ویژگی انگیزه پیشرفت در سطحی یکسان قرار دارند. بیشترین اندازه اثر مشاهده شده به متغیر مرکز کنترل، مربوط است؛ بنابراین، نوع مدرسه در میان متغیرهای وابسته، بیشترین تأثیر را بر مرکز کنترل دارد، لذا فرضیه فرعی چهارم تحقیق پذیرفته نمی‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های به دست آمده و نتایج تحقیق‌ها، متغیرهای جمعیت‌شناختی بر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی، تأثیری بسزا دارند؛ عوامل بسیار دیگری نیز بر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی تأثیرگذارند که این عوامل در میان دانش‌آموزان مدارس راهنمایی و غیرانتفاعی متفاوت‌اند؛ برای نمونه، چون در مدارس غیرانتفاعی، والدین شهریه تحصیل فرزندانشان را می‌پردازند به‌طور مسلم توقع دارند که مدرسه از امکانات، معلمان متبحر، مدیر شایسته و ... بهره‌مند باشد و به تبع، مدارس نیز سرمایه‌گذاری بیشتری روی معلمان خود انجام می‌دهند و در حد توان از امکاناتی بهتر برای تدریس و تربیت دانش‌آموزان استفاده می‌کنند، همان‌گونه که ملموس است، بیشتر مدارس غیرانتفاعی، دارای امکاناتی بیشتر نسبت به مدارس دولتی هستند، مانند دسترسی به رایانه و اینترنت و کلاس‌های مناسب‌تر و خلوت‌تر؛ شرایط و محیط‌ها نیز، یکی دیگر از این

1. ANOVA

برتر و ایجاد زمینه‌های رشد و شکوفایی این ویژگی‌های را در دانش‌آموزان آماده‌سازد. مطابق با یافته‌های پژوهشی لای و همکاران در سال ۲۰۰۳، گورول و اتسان در سال ۲۰۰۶، عزیزی در سال ۱۳۸۶ و خدمتی در سال ۱۳۷۹، زمینه‌های رشد در میان گروه‌های مختلف، متفاوت است و میزان آن، تحت تأثیر محیط، نوع نگرش فرد به کارآفرینی و متغیرهای جمعیت‌شناختی کارآفرین قرار دارد.

مطابق با تحقیق فرانک و همکارانش در سال ۲۰۰۵، عوامل تأثیرگذار مانند امکانات، فناوری، معلمان و مدیران، تأثیری بسیار بر رشد و توسعه ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی دارند و مدرسی که بتواند این عوامل را به صورت مناسب تهیه کند، موفق خواهد شد. یافته‌های پژوهشی تحقیق حاضر در راستای تحقیق‌های بالا قرار دارد.

در زمینه تحمل ابهام، مطالعات و تحقیق‌هایی فراوان انجام گرفته‌اند؛ در این مؤلفه برنامه‌های درسی مدارس، تأثیر زیادی در رشد این ویژگی دارند؛ مدرسی که به دنبال روش‌های تدریس و آموزش به‌روزتر و کارآمدتر هستند و از شیوه‌های تدریس سنتی به‌ندرت استفاده می‌کنند، باید به جای روش‌های تدریس فقط معلم‌محور، به سمت روش‌های دانش‌آموز‌محور و خودمحور پیش‌روند و به دانش‌آموز کمک‌کنند که خود بکوشد مسئله را بیابد و حل کند. مطابق با یافته‌های گورول و اتسان در سال ۲۰۰۶، تحمل ابهام در میان افراد با توجه به امکانات و محیط افراد، یکسان است که با یافته‌های تحقیق همخوانی ندارد.

در زمینه خلاقیت، مطالعات و تحقیق‌هایی فراوان به نسبت سایر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی صورت گرفته‌اند. خلاقیت یعنی اینکه فرد باید عادت‌ها و عرف‌های متداول جامعه را بشکند و هر فرد و جامعه‌ای برای رشد و ترقی به خلاقیت و ابداع شیوه‌ها و روش‌های جدید و تفکر خلاقانه نیاز دارد و این امر انجام‌نمی‌شود مگر اینکه آن جامعه و مدارس و برنامه‌های درسی نظام آموزشی آن از ساختارهای

عوامل به حساب می‌آیند. محیط‌هایی که در آنها از دانش‌آموزان و افراد کارآفرین، خلاق و نوآور حمایت و پشتیبانی می‌شود به نسبت محیط‌هایی که تنها بر نمره و کسب قبولی تأکید دارند و به رشد و شکوفایی خلاقیت افراد توجه نمی‌شود، ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی، بهتر رشد و توسعه می‌یابند [۲۹ و ۳۰].

در بعد برنامه‌های درسی، متأسفانه مدارس کشور ما، بسیار بر حفظ مطالب درسی تأکید می‌کنند و برنامه‌های درسی در جهت پرورش ویژگی‌های کارآفرینی نبوده‌اند و این برنامه‌ها مبتنی بر تفکر همگرا و محفوظ‌ها و دروس نظری و همسو با شیوه‌های سنتی بوده‌اند که برانباشت محفوظ‌ها و کم‌توجهی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی و خلاقیت و نوآوری تأکید دارند و این کار، سبب ایجاد روحیه مدرک‌گرایی و نبود روحیه پژوهشگری و کارآفرینی شده‌است که اصلاح این امر، مستلزم توجه مسئولان آموزشی کشورمان است و می‌توان با توجه به عوامل یادشده در بالا نتیجه گرفت که عوامل تأثیرگذار بر توسعه ویژگی‌های کارآفرینی در مدارس غیرانتفاعی به‌طور چشمگیرتر دیده می‌شوند.

علاوه بر موارد یادشده در بالا مؤلفه‌هایی دیگر مانند تحصیلات عالی والدین، شرایط محیطی و خانوادگی مناسب، تجربه‌های زندگی و شغلی و محیط اجتماعی دانش‌آموز نیز بر رشد ویژگی‌های کارآفرینی تأثیرگذارند؛ البته شایان اشاره است که این بدان معنا نیست که تمامی دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی، تمامی این مؤلفه‌ها را داشته باشند یا در تمامی زمینه‌ها از دانش‌آموزان مدارس دولتی بالاتر باشند؛ ولی در بیشتر موارد در تحقیق‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که تحصیلات عالی والدین، شرایط خانوادگی و مالی و محیط‌های اجتماعی دانش‌آموزان غیرانتفاعی در وضعیتی بهتر نسبت به دانش‌آموزان مدارس دولتی قرار دارد [۳۱].

نظام آموزشی باید با فراهم‌ساختن بسترهای مناسب، مانند آموزش کارآفرینی، آشنایی دانش‌آموزان با کارآفرینان برتر، ایجاد امکانات و در دسترس بودن آنها برای همه دانش‌آموزان، حمایت و تشویق دانش‌آموزان

خود تلاش کند و زمینه و امکانات تجربیات جدید را برای دانش‌آموزان فراهم آورد و این کار باید از مقاطع پایین‌تر تحصیل آغاز شود تا این ویژگی با گذشت زمان تقویت شود و افراد در سنین ورود به دنیای کار، تجربه‌های لازم را کسب کنند و از شکست نهراسند.

مطابق با تحقیق‌های کوه در سال ۱۹۹۶ و فرانک و همکارانش در سال ۲۰۰۵، تمایل به خطرپذیری از مهم‌ترین ویژگی‌ها در دانش‌آموزان برای کارآفرینی است که باید از طریق بازی‌ها، کسب‌وکار و کار گروهی تقویت شود که با یافته‌های این پژوهش مطابقت دارد.

نتایج تحقیق نشان‌دادند که دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی در مقایسه با دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی در زمینه ویژگی‌های کنون کنترل درونی وضعیتی بهتر قرار دارند. در زمینه کنون کنترل درونی مطالعات و تحقیق‌هایی بسیار صورت گرفته‌اند. این ویژگی که افراد، دلیل کاری را که انجام می‌دهند، به خود نسبت دهند و نه عوامل بیرونی از ویژگی شخصیتی یک کارآفرین است، چراکه کارآفرینان، قدرت اعتمادبه‌نفسی بالا دارند و علل کار را به خود نسبت می‌دهند و به همین دلیل نیز اگر در کاری شکست بخورند به دنبال کسب اطلاعات و تجربیاتی بیشتر هستند تا نواقص خود را رفع کنند؛ اما برخی از افراد به دلیل ترس از سرزنش شدن از طرف اطرافیان خود سعی می‌کنند اشتباه‌های خود را به گردن شانس و عوامل بیرونی بیندازند تا مورد سرزنش قرار نگیرند؛ به خصوص اگر این افراد از پیش، این اتفاق را تجربه کرده باشند و دراصل، این افراد، دارای اعتمادبه‌نفسی پایین‌تر هستند. به‌منظور رفع این مسئله، مدارس باید روش‌های خودکنترلی را به دانش‌آموزان بیاموزند تا سعی شود خود فرد به نظارت خویش پردازد و مشکلاتش را بشناسد و درپی رفع نواقص خود باشد تا دیگران درباره او قضاوت نکنند که مورد سرزنش واقع شود و در برنامه‌های درسی نیز باید به جای معلم‌محوری یا محتوامحوری، دانش‌آموزمحوری جایگزین شود.

با توجه به تحقیق‌های فرانک و همکارانش در سال

به‌شدت سازمان‌یافته خود بکاهند و شرایط و زمینه‌ها را برای این امر ایجاد کنند. برای شکوفایی و به‌عمل‌رساندن تفکری خلاق به حمایت، پشتیبانی و داشتن امکانات لازم نیاز است و بنابراین، نظام‌های آموزشی ما باید این شیوه تفکر را به دانش‌آموزان خود آموزش دهند چراکه این زمینه، رکن پیشرفت هر کشور است که باید از مقاطع پایین‌تر تحصیلی فراگرفته شود.

مطابق با یافته‌های فرانک و همکاران در سال ۲۰۰۵، ادوارد و دویونو در سال ۱۹۸۶، زیمر در سال ۲۰۰۶ خلایق در میان افراد به‌ویژه دانش‌آموزان به‌صورت بالقوه وجود دارد و با توجه به محیط و موقعیت افراد می‌تواند شکوفا شود و با توجه به شرایط جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی، متفاوت است که با یافته‌های این تحقیق همخوانی دارد [۳۲].

در زمینه ویژگی تمایل به خطرپذیری، تحقیق حاضر نشان داد که دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی در مقایسه با دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی در سطحی بالاتر قرار دارند. تمایل به خطرپذیری مهم‌ترین ویژگی کارآفرینی محسوب می‌شود.

هنگام در نظر گرفتن هر مخاطره، دو عنصر در ایجاد آن نقش دارند: یکی سطح درک فرد کارآفرین از مخاطره در آغاز هر فعالیت مخاطره‌آمیز و دیگری، احتمال شکست در صورت ناموفق‌بودن آن فعالیت [۳۳]. کارآفرین به‌لزموم در پی فعالیت نیست که مخاطره آن زیاد باشد، بلکه مایل است مقدار متوسطی از مخاطره را که برای آغاز فعالیت اقتصادی، معمولی تلقی می‌شود، بپذیرد. از این نظر که دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی مخاطره بالا را نمی‌پذیرند قابل‌توجه است که می‌توانند کارآفرینان موفق‌تر باشند. کارآفرین از خطرهای افراطی به دلیل ترس از نرسیدن به مقصد (کمال اقتصادی) و از کارهای معمولی و کمک به دلیل دیررسیدن به مقصد گریزان است؛ لذا کارهایی با خطر متوسط برای او جاذبه بیشتری دارند [۱۶]. برای بالا بردن این ویژگی نظام آموزشی باید از طریق گنجاندن کارهای گروهی و بازی‌های کسب‌وکار در برنامه‌های آموزشی

کارآفرین باریابند که این به سیاست‌های نظام آموزشی بستگی دارد.

با توجه به نتایج برخاسته از این تحقیق، به نظر می‌رسد، موفقیت در امر کارآفرینی در مدارس، مستلزم مقدمات زیر می‌باشد:

۱. شناسایی دانش‌آموزان کارآفرین و پرورش آنها و فراهم کردن زمینه لازم برای تحصیل آنها در رشته‌های مرتبط. به منظور شناسایی دانش‌آموزان کارآفرین می‌توان از پرسش‌نامه استاندارد شده «سنجش ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ایرانی» بهره گرفت. شایان اشاره است، پرسش‌نامه یادشده که *کردنائیچ* و دیگران در سال ۱۳۸۶، آن را در مرکز کارآفرینی دانشگاه تربیت مدرس براساس شرایط و اقتضائات خاص کشور، بومی و استاندارد کرده‌اند، روحیه و ویژگی‌های کارآفرینی دانش‌آموزان مدارس متوسطه را در هشت محور خطرپذیری، کانون کنترل، موفقیت‌طلبی، سلاست فکر، عمل‌گرایی، تحمل ابهام، رویاپردازی و چالش‌طلبی، مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد.
۲. پرورش و توسعه روحیه کارآفرینی در دانش‌آموزان، ایجاد جوی حمایتی از فعالیت‌های کارآفرینانه و ایجاد زمینه و علاقه برای گرایش به سمت کارهای مولد و مستقل پیشنهاد می‌شود.
۳. تشویق و ترغیب دانش‌آموزانی که در شرف فارغ‌التحصیلی هستند در جهت کسب و کارهای کارآفرینانه و ایجاد آموزش‌های آغاز کسب و کارهای تجاری برای فارغ‌التحصیلان مدارس توصیه می‌شود.
۴. در نظر گرفتن فضایی در محیط مدرسه به منظور گسترش فعالیت‌های کارآفرینانه در میان دانش‌آموزان و آشنایی آنها با کسب و کارهای مختلف پیشنهاد می‌شود.
۵. راه‌اندازی شرکت‌های دانش‌آموزی که بر کار گروهی و آزاد دانش‌آموز تأکیدی کنند؛ این برنامه‌ها باید هم به صورت بخشی از برنامه هفتگی مدرسه و هم به صورت فوق برنامه استفاده شوند.

۲۰۰۵، مدرسه تأثیری وافر را بر رشد و تقویت این ویژگی دارد و مدارس برای رشد و تقویت آن باید در اندیشه بازسازی دوباره برنامه‌های خود و استفاده از دانش‌آموزان در برنامه‌های خودمحمور باشند. مطابق با یافته‌های *گوول* و *اتسان* در سال ۲۰۰۶، کانون کنترل درونی در میان افراد با توجه به در نظر گرفتن شرایط جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی، متفاوت است که با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد.

یافته‌های تحقیق نشان دادند که میان دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیردولتی در زمینه ویژگی انگیزه پیشرفت، تفاوتی معنی‌دار وجود ندارد و دانش‌آموزان دبیرستان‌های غیرانتفاعی با دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی در سطحی یکسان قرار دارند. انگیزه پیشرفت با مطالعات مک کله *لند* آغاز شد و در مطالعات مک کله *لند* مشخص شد که کارآفرینان، انگیزه پیشرفت بیشتری نسبت به غیر کارآفرینان دارند.

طبق تحقیق‌های گذشته و هرم نیازهای *مازلو* تا فردی احساس نیازی نداشته باشد، انگیزه‌ای در او به وجود نمی‌آید. نیازهای ما منشأ انگیزه و فعالیت‌های ما هستند. انگیزه پیشرفت، یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی محسوب می‌شود.

این انگیزه در پی رسیدن به نیاز موفقیت‌طلبی، خود را نشان می‌دهد. در زمینه انگیزه پیشرفت با توجه به تحقیق‌های *فرائک* و همکارانش در سال ۲۰۰۵، مدرسه تأثیری وافر بر رشد و تقویت این ویژگی دارد و مدارس برای رشد و تقویت آن باید در اندیشه بازسازی دوباره برنامه‌های خود و استفاده از دانش‌آموزان در برنامه‌های خودمحمور باشند.

مطابق با یافته‌های *گوول* و *اتسان* در سال ۲۰۰۶، انگیزه پیشرفت در میان دانشجویانی که دارای تمایل‌های کارآفرینانه هستند به نسبت دانشجویانی که چنین تمایلی ندارند، بیشتر است و نظام آموزشی باید بیش از گذشته، بستر را برای کشف استعدادها و بالقوه کارآفرینی یا بهره‌گیری از برنامه‌ها، امکانات و تمام عوامل دیگر، آماده‌سازد تا با تقویت این ویژگی، دانش‌آموزان

۱۱. دانشگاه صنعتی شریف (۱۳۸۵): تجربه شرکت‌های دانش‌آموزی در اروپا، گزارش پژوهشی مرکز کارآفرینی.

12. Frank, H & et al. (2005). Entrepreneurial orientation and education in Austrian Secondary School, Journal of small business and Enterprise Development, Vol.12 No.2.

۱۳. احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۶): کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها؛ ج ۷، تهران: شرکت پردیس.

۱۴. احمدپور داریانی، محمود و محمود عزیزی (۱۳۸۶): کارآفرینی؛ ج ۴، تهران: محراب قلم.

۱۵. عزیزی، محمد (۱۳۸۶): بررسی و مقایسه زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه شهید بهشتی.

۱۶. صمد آقایی، جلیل (۱۳۸۲): سازمان‌های کارآفرین؛ ج ۲، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

۱۷. اکرمی، زهرا (۱۳۸۶): ساخت و هنجاریابی آزمون انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان دبیرستان‌های منطقه ۷ آموزش و پرورش شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۹۲.

۱۸. سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹): روان‌شناسی پرورشی روان‌شناسی یادگیری و آموزش؛ تهران: انتشارات آگاه، ص ۲۰۹.

19. Fry, F. (1993). Entrepreneurship :A Planning Approach, NY:Prentice-Hall, p.65.

۲۰. کینگی، آنجلو و رابرت کریتر (۲۰۰۴): مدیریت رفتار سازمانی؛ ترجمه علی‌اکبر فرهنگی و حسین صفرزاده (۱۳۸۴): ج ۱، تهران: پیام پویا، ص ۴۶.

۲۱. صمد آقایی، جلیل (۱۳۸۳): خلاقیت جوهره کارآفرینی؛ تهران: مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران، ص ۴۴.

۲۲. حسن مرادی، نرگس (۱۳۸۵): مدیریت کارآفرینی؛ کرج: مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت.

۶. تشویق دانش‌آموزان به شرکت در جشنواره‌های کارآفرینی به منظور ایجاد درک مثبت کارآفرینی در آنها توصیه می‌شود.

## منابع

۱. مقیمی، سیدمحمد (۱۳۸۳): کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۱.

۲. احمدپور داریایی، محمود (۱۳۸۳): تجارت کارآفرینی در کشورهای منتخب؛ تهران: امیرکبیر، ص ۱۴.

3. Hisrich, RD ;Peters, M ;Shepherd ,D.(2008), Entrepreneurship, (Seventh Ed) Mc Graw-Hill.p.16.

4. Bygrave ,W; Zacharakis ,A. (2007). Entrepreneur ship ,P,cm:John Wiley & Sons publisher.

۵. جعفرزاده، مرتضی (۱۳۸۴): طراحی و تبیین الگوی برای پیش‌بینی کارآفرینی دانش‌آموختگان: مورد دانشگاه تهران، پایان‌نامه دکتری؛ دانشگاه تهران، ص ۵.

۶. سعیدی‌کیا، مهدی (۱۳۸۶): اصول و مبانی کارآفرینی؛ ج ۷، تهران: کیا، ص ۳۸.

7. Mohanty S.K. (2006). Fundamental of entrepreneurship , prentice- Hall of India.

8. Gurol, Y; Atsan, N. (2008). Entrepreneurial characteristics amongst university students , Education -Training Vol. 48. No 1. PP.25-38.

۹. تیموری، سیدروح‌الله (۱۳۸۷): مقایسه ویژگی‌های کارآفرینی در بین دانش‌آموزان مدارس راهنمایی پسرانه دولتی و غیرانتفاعی شهر کرج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه علامه طباطبایی.

10. Koh , H. (1996). Testing hypotheses of entrepreneurial characteristics, Journal of Managerial psychology , Vol. 11. No.3.

28. Mc Fadzean, E; O Loughlin, A; Shaw ,E.(2005). Corporate entrepreneurship and innovation Part 1: missing link ,European Journal of Innovation Management .Vol .8 No .3.
29. Mian ,S. (2006) ,Qualities of incubation and entrepre nearship : what the Rearch Tells US? conference Bord of canada, Montreal
30. Littunnen,H.(2000). Entrepreneurship and the characteristics of the Entrepreneurship-personality, International Journal of Entrepreneurship Behavior & Research, Vol.6 No.6.
31. Fletcher, D. (2004). Interpreneurship organization (re)emergence and Entrepreneurship development in a second-generation family firm ,International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research ,Vol.10 No.1/2.
32. Zimmerer , T; Scarborough , N .(2006). Essentials of entrepreneurship and small bussines management . New Delhi : Prentice Hall, 4th.
33. Brock Haus ,R(1980). Tie effect of job Dis-satisfaction on the decision to start a business, journal of small business management, pp. 37-43
۲۳. احمد پورداریانی، محمود (۱۳۷۷)؛ طراحی و تبیین الگوی پرورش مدیران کارآفرین در صنعت، رساله دکتری مدیریت؛ تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۴. خدمتی توسل، صادق (۱۳۷۹)؛ بررسی زمینه‌های بروز و پرورش کارآفرینی در دبیرستان‌های دولتی کارودانش شهر کرج از نظر مدیران، دبیران و دانش‌آموزان در نیمسال دوم تحصیلی ۱۳۷۹-۱۳۷۸، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه شهید بهشتی.
25. Louw , L & et al.(2003). Entrepreneurial traits of undergraduate students at selected South African tertiary institution, International Journal of Entrepreneurship Behavior & Research, Vol.9 No.1
26. Dezilwa,D.(2005), Using Entrepreneurial activities as a means of survival : Investing the process used by Australian universities to diversify their revenue streams. Higher Education, 50(30): PP.387-411
27. Eyal , Zori & Inbar, Dan. (2003) , Developing a public school entrepreneurship inventory ,International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research, Volue 9,no. 6.